



تبیین سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جنگ ۲۰۲۲ اوکراین از منظر رئالیسم نئو کلاسیک

فریده امانی کیکانلو^۱، سید امیر نیاکویی^۲

چکیده

بعد از مدت ها تنش دیپلماتیک میان روسیه و اوکراین، این دو کشور در اواخر فوریه ۲۰۲۲ وارد درگیری مستقیم نظامی شدند. این درگیری تا حدود زیادی عرصه گسترده ای از سیاست بین الملل را دستخوش تغییرات نموده است. آمریکا به دنبال گسترش مرزهای ناتو به سمت مرزهای غربی روسیه است تا حلقه محاصره این کشور تنگ تر شود این مسئله باعث بروز تنش بزرگی در اروپای شرقی شده است. هدف این مقاله بررسی متغیرهای تأثیرگذار در اتخاذ سیاست های دولت بایدن در قبال جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین است. براین اساس، در پی یافتن پاسخ این سؤال است که سیاست خارجی آمریکا در قبال حمله روسیه به اوکراین متأثر از چه عواملی بوده و چگونه می توان آن را تبیین کرد؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که رفتار سیاست خارجی آمریکا آمیزه ای از که آموزه های رئالیسم نئو کلاسیک در رفتار سیاست خارجی آمریکا آمیزه ای از تعامل عوامل بیرونی (نظام بین الملل) و عوامل داخلی (ساختار و قدرت داخلی و نوع ادراک نخبگان تصمیم گیرنده سیاست خارجی آمریکا) است و می توان از منظر رویکرد رئالیسم نئو کلاسیک آن را تبیین نمود. روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و سایت ها است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایالات متحده، اوکراین، رئالیسم نئو کلاسیک، ساختار داخلی، برداشت نخبگان

۱- دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲- دانشیار روابط بین الملل دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

niakoe@gmail.com



Explaining the foreign policy of the United States regarding the 2022 war in Ukraine from the point of view of neoclassical realism

Farida Amani Kikanlo¹, Seyyed Amir Niakoui²

Abstract

After a long period of diplomatic tension between Russia and Ukraine, these two countries entered into a direct military conflict at the end of February 2022. This conflict has changed a wide field of international politics to a large extent. America is seeking to expand the borders of NATO towards the western borders of Russia in order to tighten the encirclement ring of this country, this issue has caused great tension in Eastern Europe. The purpose of this article is to investigate the influential variables in the adoption of policies of the Biden government towards the 2022 war between Russia and Ukraine. Therefore, it seeks to find the answer to the question of what factors influenced the American foreign policy in response to Russia's attack on Ukraine and how can it be explained? The findings of the research show that the behavior of the American foreign policy is a mixture of which the teachings of neoclassical realism in the behavior of the American foreign policy are a mixture of the interaction of external factors (international system) and internal factors (internal structure and power and the type of perception of the decision-making elites of the American foreign policy) and it can be explained from the point of view of the neoclassical realism approach. The present research method is descriptive and analytical, using library resources and websites.

Keywords: US foreign policy, Ukraine, neoclassical realism, domestic structure, elite perception



۵۲

پژوهش نامه ایرانی

سیاست بین الملل،

سال ۱۲، شماره ۲، شماره

پیاپی ۲۴، بهار و تابستان

۱۴۰۳

1- PhD student of International Relations, University of Gilan

2- Associate Professor, Department of International Relations, University of Gilan niakoe@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه شناخت نشانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، مبتنی بر تجزیه و تحلیل کنش قدرت‌های بزرگ است. در ساختار نظام بین‌الملل، نشانه‌هایی از رقابت و همکاری قدرت‌های بزرگ مشاهده می‌شود و در این بین رقابت آمریکا و روسیه حائز اهمیت است. پس از پایان جنگ سرد آنچه روابط آمریکا و روسیه را تحت تأثیر قرار داد، توزیع پراکنده قدرت در سطوح مختلف ساختار بین‌المللی بود. رفتارهای آمریکا در دو دهه اخیر بیانگر آن است که روسیه را در حد یک قدرت بزرگ جهانی نمی‌داند و اجازه مداخله در خارج نزدیک آن را برای خود قائل است تا گزینه‌ای برای مهار روسیه داشته باشد. بهترین گزینه برای محقق شدن این سیاست، رسیدن به مرزهای این کشور است و مهم‌ترین آن اوکراین در همجواری روسیه می‌باشد. این کشور از لحاظ ژئوپلیتیکی از کشورهای سرنوشته‌ساز جهان قلمداد می‌شود. به طوری که زیگنیو برژنسکی، استراتژیست آمریکایی، اوکراین را یک فضای مهم پس از فروپاشی شوروی می‌داند که هم قطبی شدن روسیه در برابر آمریکا در گرو تسلط مسکو بر اوکراین است. روسیه به دنبال تفکر سنتی «روسیه بزرگ مستقل» است و برای تحقق این اندیشه نیازمند تسلط بر محورهای ژئوپلیتیکی حوزه خارج نزدیک است. سرانجام پس از حضور نیروهای نظامی روس در مرزهای اوکراین، شامگاه ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ پوتین در یک نطق آتشین، استقلال دونتسک و لووانسک، دو منطقه جدایی طلب شرق را به رسمیت شناخت و در ادامه دستور مداخله نظامی در اوکراین را صادر کرد. برخی این اقدام روسیه را واکنشی در قبال گسترش ناتو به شرق ارزیابی می‌کنند، همچنین عوامل دیگری از قبیل تمایل روسیه به احیای شوروی و قدرت گرفتن تفکرات انتر ناسیونالیستی در ساختار حاکمیتی روسیه به عنوان عوامل بروز جنگ اوکراین در نظر گرفته می‌شود. در مجموع، از سال ۲۰۱۴، تحولات اوکراین به یکی از چالش‌های مهم در روابط آمریکا و روسیه تبدیل شده است. بدین ترتیب وجود اختلاف بین دو کشور (اوکراین و روسیه) حالت تهاجمی به خود گرفت و سرانجام پوتین، بامداد پنج‌شنبه ۲۴ فوریه با صدور فرمان «عملیات نظامی» علیه کی‌یف، جنگ را آغاز کرد. این اقدام روسیه، از طرف سایر دولت‌ها با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. اتحادیه اروپا، آمریکا، بریتانیا تحریم‌هایی علیه روسیه اعمال کردند. بحران از آنجایی تشدید شد که بعد از ۲۰۱۴، دولت اوکراین درخواست عضویت در پیمان نظامی ناتو را طرح کرد و در ۲۰۲۱، در رزمایش مشترک با ناتو در ماه سپتامبر در دریای سیاه، نظامیان اوکراین و ناتو، حمله به شبه‌جزیره کریمه را تمرین کردند. سخنگوی وزارت دفاع روسیه همان زمان گفت که «آمریکا و ناتو قصد دارند در پوشش رزمایش نظامی، اوکراین را به تسلیحات مدرن مجهز و این کشور را برای حمله قریب‌الوقوع به کریمه آماده کنند». زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین در مارس ۲۰۲۱، قانونی را برای الحاق مجدد کریمه به اوکراین امضا کرد.





زلنسکی در فوریه ۲۰۲۲ در کنفرانس امنیتی مونیخ گفته بود که «اوکراین هرگز از درخواست عضویت در ناتو عقب‌نشینی نمی‌کند». با مشاهده تهدیدات فزاینده، روسیه در ۲۰۲۱ از آمریکا و ناتو درخواست کرد که تضمین بدهد که اوکراین به عضویت ناتو در نمی‌آید. ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو گفت که «این تنها اوکراین و ۳۰ عضو ناتو هستند که تصمیم می‌گیرند چه زمانی اوکراین برای پیوستن به ناتو آماده است؛ روسیه هیچ حق و تویی در این خصوص ندارد که حوزه نفوذ تعیین کند و سعی کند که همسایگانش را کنترل کند». آخرین میخ بر تابوت امیدهای دیپلماتیک روسیه را آمریکا در ۲۷ ژانویه ۲۰۲۲ کوید و وزیر امور خارجه آمریکا گفت که به درخواست روسیه، «پاسخ رسمی» داده است، مبنی بر این که آمریکا خواسته روسیه برای ممانعت از عضویت اوکراین در ناتو را نپذیرفته است. همان روز سه محموله تسلیحات از آمریکا به اوکراین ارسال شد. با نگاه آمریکا به اوکراین با آغاز رویارویی نظامی روسیه و اوکراین و نبرد نیابتی روسیه و غرب (ایالات متحده و اروپا و ناتو)، نهایتاً جو بایدن موفق شد تا مطابق سناریو مطلوب دموکرات‌ها، شکافی عمیق در مقابل روابط اتحادیه اروپا و روسیه ایجاد کند تا روحی به جسم ناتو بدمد که در سال‌های گذشته ادامه موجودیت این ائتلاف نظامی با ابهام‌هایی روبرو شده بود؛ و البته در هدفی جدی‌تر هژمونی آمریکا در نظم جهانی را بار دیگر احیا کند. بر این اساس این نوشتار در تلاش است با بهره‌گیری از آموزه‌های رئالیسم نئوکلاسیک سعی در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال جنگ ۲۰۲۲ اوکراین نماید. در مقاله حاضر پس از بررسی رئالیسم نئوکلاسیک به‌عنوان یک مکتب نظری و بیان ویژگی‌های رئالیسم نئوکلاسیک، به توضیحاتی در باب اهمیت اوکراین برای آمریکا می‌پردازیم. در بخش بعدی به واکاوی سیاست خارجی جو بایدن و با بررسی متغیرهای مستقل (نظام بین‌الملل) و میانجی (ادراکات فردی رئیس‌جمهور) و متغیر قوه مجریه و مقننه (کنگره) تأثیر آن را در متغیر وابسته به شکل سیاست خارجی دولت جو بایدن در قبال جنگ اوکراین اشاره می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با بحران نظامی میان روسیه و اوکراین پژوهش‌های متعددی انجام شده در مقاله حاضر به بررسی چند نمونه از این پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با موضوع پژوهش می‌پردازیم. در مقاله تأثیر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده (۱۳۹۴)، ولی‌زاده و همکاران در پاسخ به این پرسش که بحران اوکراین چه تأثیری بر روابط ایالات متحده و روسیه دارد؟ این فرضیه را مطرح می‌کنند که این بحران ضمن تشدید تنش‌ها میان دو کشور، تأثیری عمیق بر ماهیت روابط دو کشور نخواهد داشت؛ زیرا ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک در این منطقه به به‌گونه‌ای است که قدرت‌های بزرگ را از

درگیری‌های جدی بازمی‌دارد. حمید درج در مقاله تأثیر جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر اقتصاد بین‌الملل (۱۴۰۱)، به دنبال بررسی تأثیر اقتصادی جنگ روسیه و اوکراین در ۲۰۲۲ بر بازیگران کلیدی اقتصادی جهانی، به‌ویژه آمریکا و اروپا می‌پردازد. نویسنده بیان می‌کند که باتوجه‌به ابعاد سیاسی و نظامی مناقشه اوکراین؛ رهبران کشورها در تصمیم‌گیری‌های خود در خصوص این بحران، مسائل سیاسی را بر مسائل اقتصادی اولویت داده‌اند و این امر باعث رکود و افزایش قیمت جهانی شده است. سمعی اصفهانی و فرحمن در مقاله تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید» (۱۴۰۱)، در خصوص تهاجم روسیه به اوکراین نشان می‌دهد که درک تهدید ناشی از اقدامات آمریکا و ناتو در اوکراین باعث شده است عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و باعث تهاجم روسیه به اوکراین گردد. سناریوهای آینده جهان در پرتو بحران اوکراین (۱۴۰۱)، عنوان مقاله‌ای است که حافظ‌نیا چند سناریو مطرح می‌کند، اول: جنگ محدود به برتری روسیه، دوم: جنگ محدود با شکست روسیه، سوم: آتش‌بس فوری و مصالحه، چهارم: جنگ نامحدود و قابل کنترل، پنجم: جنگ نامحدود و غیرقابل کنترل. از بین سناریوهای مطرح شده نویسنده سناریو سوم را بهترین می‌داند ولی احتمال وقوع آن ضعیف است. باتوجه‌به وضعیت کنونی و تقابل فزاینده بین طرفین، احتمال بروز سناریو چهارم وجود دارد. یزدانی و همکاران در مقاله نقش آمریکا و روسیه در بحران‌های ژئوپلیتیکی گرجستان و اوکراین (۱۳۹۵)، به دنبال بررسی میزان تأثیرگذاری انگاره‌های ژئوپلیتیکی دو قدرت در بحران گرجستان و اوکراین هستند. به گونه‌ای که رقابت طرفین در ای ن بحران‌ها در راستای تلاش واشنگتن برای مهار ظهور روسیه و در مقابل در راستای طردشدن نظم تک‌قطبی از سوی روسیه به‌منظور مقابله با برتری طلبی آمریکایی، تفسیر می‌شود. در مقاله‌ی رقابت ژئوپلیتیک روسیه و آمریکا در اوکراین (۲۰۰۴-۲۰۱۷) اعظمی و همکاران (۱۳۹۷) با بیان اینکه بحران اوکراین به یکی از محورهای رویارویی روسیه و آمریکا و ناتو تبدیل شده است، دلیل اصلی منازعه اوکراین، بعد مهم و کلیدی ژئوپلیتیک این کشور برای دو قدرت بزرگ می‌باشد. محسن رستمی و زینلی بادی (۱۴۰۰)، در مقاله بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و آمریکا، به دنبال بررسی اهمیت اوکراین برای دو قدرت آمریکا و اروپا هستند. غرب از بعد امنیتی تلاش دارد تا اوکراین در چتر حمایتی خود قرار دهد و باتوجه‌به منافع ژئواهردی خود از اوکراین در برابر روسیه حمایت کند. مقاله جنگ روسیه و اوکراین ۲۰۲۲: بررسی تأثیر اقتصادی بحران روسیه و اوکراین بر ایالات متحده (۲۰۲۲)، روث اندام امبا و دیوین فورچا واسیوم، نویسندگان مقاله اظهار دارند که هدف این مطالعه بررسی تأثیر اقتصادی جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ بر بازیگران





کلیدی اقتصاد جهانی و تحریم‌های مالی آن‌ها علیه روسیه است. این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه پیامدهای این بحران تأثیر مهلکی بر اقتصاد روسیه داشته است، اما اقتصاد جهانی را نیز متأثر کرده است. سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل ۲۰۲۲، افراسیابان (۱۴۰۱)، این پژوهش نشان می‌دهد آمریکا به دنبال ایجاد کانونی برای تنش و جنگ نیابتی در اوکراین برای روسیه است، یک جنگ فرسایشی که تنش بین اروپا و روسیه را کماکان باقی‌گذارد و ضریب اطمینانی را برای حضور آمریکا در اروپا برای دهه‌های آینده حفظ نماید. همان‌گونه که اشاره شد اکثر مقالات بررسی شده در این پژوهش به بحران ایجاد شده میان دو کشور و اهمیت ژئوپلیتیکی اوکراین برای روسیه و غرب همچنین به تأثیر این جنگ به پدیده‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی پرداخته‌اند؛ اما نوآوری پژوهش حاضر این است که صرفاً به تبیین سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین در دوران ریاست جمهوری جو بایدن پردازد. ویژگی برجسته دیگر این پژوهش تأکید بر آموزه‌های رئالیسم نئوکلاسیک در رفتار سیاست خارجی آمریکا در قبال این بحران می‌باشد.

۳. رئالیسم نوکلاسیک به مثابه چارچوب نظری

در طبقه‌بندی نظریه‌های رئالیستی مربوط به سیاست خارجی می‌توان در یک تقسیم‌بندی به نظریه‌های رئالیسم کلاسیک، رئالیسم ساختارگرا، نئوکلاسیک اشاره کرد (Asadi, 2010, P. 256). در این میان سؤالی که مطرح می‌شود این است که رابطه بین نئورئالیسم و رئالیسم نئوکلاسیک چیست؟ شباهت‌هایی بین این دو در مفروضات آنها در مورد ماهیت متضاد سیاست، محوریت تضاد گروهی و اهمیت توزیع نسبی قدرت وجود دارد. علاوه بر این، هر دو به متغیرهای سیستمی مستقل اولویت می‌دهند و تلاش می‌کنند تا فرضیه‌های آزمایش پذیر را ایجاد کنند اما بر اساس متغیر وابسته متفاوت هستند. رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال توضیح رفتار سیاست خارجی یک دولت به‌عنوان یک نتیجه است، نئورئالیسم قصد دارد الگوهای تکرارشونده در نتایج بین‌المللی را توضیح دهد (Dersan, 2012, P. 16). واقع‌گرایی نئوکلاسیک ضمن تأکید بر محوریت قدرت، معتقد است گزینه‌های سیاست خارجی توسط رهبران سیاسی خلق شده و برداشت آن‌ها از قدرت نسبی مهم است و لذا منابع فیزیکی قدرت به‌تنهایی دخیل نیستند؛ بنابراین، معتقدند فهم ارتباط بین قدرت و سیاست نیاز به سنجشی نزدیک از زمینه‌ای دارد که سیاست خارجی در آن شکل گرفته و اعمال می‌شود (Afshar&Barzegar, 2017, P. 47). این نظریه پردازان معتقدند نظریه توازن قدرت و التز به‌تنهایی و بدون اشاره به مولفه‌های داخلی در سیاست خارجی قدرت

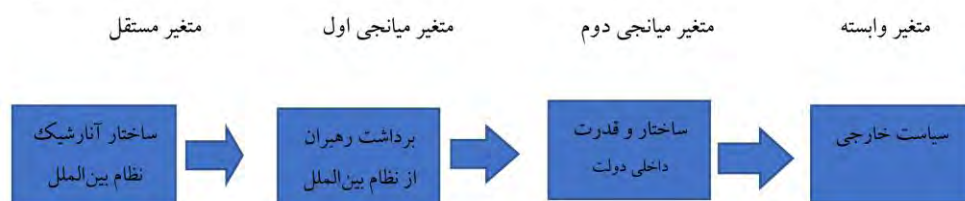
تبیین کافی را ندارد. راندال شولر^۱ از نظریه پردازان رئالیسم نئو کلاسیک معتقد است دولت‌ها تنها هنگامی به ایجاد موازنه می‌پردازند که به نفع آنها باشد. در واقع این نظریه‌پردازان در پی توجه به عوامل سطح واحدها در کنار مولفه‌های سطح ساختاری برای تحلیلی سیاست خارجی هستند و بر این باورند که بین عوامل داخلی و سیاست خارجی دولت‌ها ارتباط وسیعی وجود دارد (Asadi, 2010, P. 244) و اکثر نخبگان اصلی قدرت بر مفاهیم رئالیستی نئو کلاسیک به عنوان نقشه اصلی سیاست خارجی امروز خود تکیه می‌کنند (Nygren, 2012, P. 518). واقع‌گرایی نئو کلاسیک (NCR)^۲ دارای مفروضات اساسی درباره آن دسته از ماهیت روابط بین‌المللی است که اساس پارادایم واقع‌گرایی محسوب می‌شوند. پیروان واقع‌گرایی نئو کلاسیک مانند لوبل^۳، ریزمن^۴ و تالیافرو^۵ به شناسایی سه فرضیه اصلی پرداخته‌اند: اول، انسان نمی‌تواند به صورت فردی به حیات خود ادامه دهد، بنابراین با پیوستن به گروهی بزرگ‌تر، در پی بهره‌مندی از امنیت در برابر دشمنان خارجی است، بنابراین، قبیله‌گرایی امری تغییرناپذیر از زندگی سیاسی و اجتماعی است؛ لذا تمامی انواع رئالیسم، ذاتاً گروه‌محورند. دوم، سیاست یعنی مبارزه دائمی در میان گروه‌های خودمحور که در شرایط عدم قطعیت به سر می‌برند. کالاهای کمیاب ممکن است شامل قابلیت‌های مادی و یا منابع اجتماعی، از جمله اعتبار و موقعیت باشند. گروه‌ها همچنین، در عدم اطمینان نسبت به اهداف حال و آینده یکدیگر به سر می‌برند. سوم، قدرت نیاز اساسی هر گروه برای رسیدن به اهداف خود محسوب می‌شود، خواه این هدف استیلای جهانی باشد خواه حفظ خود (Afshar & Barzegar, 2017, P. 48). در این نظریه، انگیزه اصلی دولت‌ها در پیگیری فعالیت‌ها و مناسبات با کشورهای دیگر، مفهوم قدرت و نفوذ است؛ به گونه‌ای که کسب، حفظ یا نمایش قدرت هدف اصلی سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد (Donnelly, 2000, P. 132). با این حال، از جنبه‌های مهم واقع‌گرایی نئو کلاسیک، وابستگی آن به عوامل سطح سیستمیک در توضیح سیاست خارجی است. هرچند واقع‌گرایی نئو کلاسیک در اهداف خود، نظر به اهمیتی که به واحدهای سیستم بین‌الملل می‌دهد، راه خود را از نئورئالیسم جدا می‌کند. در حالی که نئورئالیسم در مفهوم کلی آن، نظریه سیاست بین‌الملل است، رئالیسم نئو کلاسیک نظریه سیاست خارجی است؛ لذا با تمرکز بر روی واحد دولت‌ها، در پی بیان آن است که چرا دولت‌ها در موقعیت‌های خاص،

- 1- Randall Schweller
- 2- Neo classical realism
- 3- Lobell
- 4- Ripsman
- 5- Taliaferro



سیاست خارجی متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. با توجه به واقع‌گرایان نئو کلاسیک، سیاست خارجی یک دولت به طور معمول توسط یک گروه کوچک از رهبران ارشد و مقامات فرموله می‌شود که اغلب به‌عنوان مجریان سیاست خارجی نامیده می‌شود (Afshar&Barzegar, 2017,P.49)) تأکید بر هدف جستجوی نفوذ برای کنترل محیط توسط دولت از مولفه‌های مهم در رئالیسم نئو کلاسیک تهاجمی شولر محسوب می‌شود. باین حال نفوذ به‌عنوان جنبه‌ای از قدرت ابزاری برای اهداف دیگر است. از جمله این اهداف می‌توان به پرستیژ، سرزمین، امنیت یا اتحادها اشاره کرد. نفوذ با منابع و توانمندی‌های دولت‌ها پیوندی مستقیم دارد و این منابع می‌تواند ویژگی فیزیکی یا ذهنی موجود به‌عنوان ابزار تشویقی برای اقناع، پاداش و یا تهدید باشد. (Kunz,2007,P. 5). واقع‌گرایی نئو کلاسیک کار خود را با این مفروض نئورئالیستی آغاز می‌کند که ساختار نظام بین‌المللی محدودکننده گزینه‌های سیاست خارجی کشورهاست. این تفکر پایه‌ای که در مرکز تفکرات واقع‌گرایی نئو کلاسیک موجود است، میراث نئورئالیسم والتزی است که در کار محققان سنت رئالیسم کلاسیک وجود ندارد (Kitchen, 2010,P.118). بر اساس این نظریه اولویت منافع ملی با عدم اعتماد دولت به هر موضوع دیگری در صحنه بین‌المللی همراه است و ماهیت آنارشیک امور جهانی بر ویژگی خودیاری سیاست خارجی دولت دلالت دارد و هر کشوری باید بر توانایی خود برای تأمین امنیت خود تکیه کند (Wieclawski, 2011,P.172). در این نظریه جایی برای دولت‌های طرف‌دار حفظ وضع موجود وجود ندارد. این نظریه پردازان بر این باورند که آنارشی بین‌المللی باعث می‌شود دولت‌ها نگران حفظ موازنه قوا باشند. محرک اصلی توسل به‌زور در سیاست بین‌الملل اراده قدرت همه دولت‌های درون نظام است و همین گرایش آن‌ها را به تلاش برای رسیدن به برتری وامی‌دارد (Mearsheimer, 2001,P. 19). در رئالیسم نئو کلاسیک رفتار سیاست خارجی مرکز توجه است و همانند ادعای نئورئالیست‌ها نمی‌توان سیاست خارجی را تنها از شرایط سیستمی مشتق دانست. این نظریه اصول نواقع‌گرایی را می‌پذیرد، اما باین حال متغیرهای جدیدی را نیز به این نظریه اضافه می‌کند و به اهمیت منازعه و آنارشی در سیاست بین‌الملل توجه می‌کند، اما آنارشی را به‌عنوان شرایط آسان‌گیرانه تلقی می‌کند که به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار جست‌وجوی قدرت یک دولت را تبیین کند (Schmidt,2005,P. 542). از طرفی، تلقی دولت به‌عنوان جعبه سیاه را نفی می‌کند و مؤلفه‌هایی مانند شخصیت و فهم رهبران، روابط دولت و جامعه را نیز در تبیین سیاست خارجی وارد می‌کند و معتقد است، محدودیت‌های سیستمی از طریق متغیرهای میانجی بر دولت و رفتار آنها در عرصه سیاست خارجی تأثیرگذار است (Asadi, 2010,P.245) و فشارهای سیستمی باید از طریق متغیرهای میانجی سطح واحد مانند درک تصمیم-

گیرندگان توجه شود و آنها باید منابعی را از جامعه داخلی استخراج و بسیج کنند، از طریق نهادهای داخلی موجود کار کنند و حمایت گروه‌های اصلی را کسب کنند (Lobel, 2009, P.6). الگوی رئالیسم نئو کلاسیک به شکل زیر است.



(Dersan, 2012: 14)

از آنجایی که توجه ویژه رئالیسم نئو کلاسیک برای تبیین تغییر در سیاست خارجی بر متغیرهای میانجی است، در ادامه به این متغیرها می‌پردازیم:

۳-۱. متغیر ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان

در زمینه تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی تأکید بر مسائل انگیزشی و شناختی است. تلاش نظریه‌های ادراکی و شخصیت، که به تبیین سیاست خارجی می‌پردازند، عملاً می‌تواند به بهینه‌سازی تصمیم‌گیری کمک کند؛ زیرا عواملی را که می‌توانند منجر به نگاه جانب‌دارانه شوند، روشن می‌سازد (Moshirzadeh, 2017, P. 21). فارغ از اینکه یک رهبر سیاسی در نقش فردی تأثیرگذار در نظر گرفته شود یا در نقش یک تصمیم‌گیرنده، ادراکات^۱ او در رفتار او، به کارگیری نفوذ یا تصمیم اثر می‌گذارد. منظور از تصمیم‌گیری رهبران، «فرایندی است که در نهایت به انتخاب طرحی از میان تعداد محدودی طرح‌های جایگزین می‌انجامد» (Snyder et al., 2010, P. 131). جرویس در کتابش با عنوان ادراک و عدم ادراک در سیاست بین‌الملل بیان می‌کند که ادراکات «تفسیر افراد از محیطشان و ایستارها، باورها، متن‌واره‌ها و طرح‌واره‌هایی که نتیجه تجربیات آنهاست» که «مبنای همه رفتارهای سیاسی» است. او درباره چهار سطح تحلیل سیاست خارجی بحث می‌کند: محیط بین‌المللی، سیاست داخلی، دیوان‌سالاری و فرایند تصمیم‌گیری؛ سرانجام نتیجه می‌گیرد که «تبیین تصمیمات حساس بدون ارجاع به باورهای تصمیم‌گیرندگان درباره جهان و

1- cognitions



تصویر ذهنی آن‌ها از دیگران ممکن نیست» و این ادراکات را بخشی غیر قابل صرف‌نظر از علت تقریبی یک رفتار می‌داند (Jervis, 1976, P. 28). از طرف دیگر، نظریه تصویر ذهنی^۱ نشان می‌دهد که چگونه قضاوت کشورها در مورد کنش‌های سایر دولت‌ها در سیاست خارجی شان و به تبع آن واکنش یک دولت به آن‌ها تابعی است از تصویری که از آن دولت دارند. الگوهای موجود در تفکر مقامات رتبه بالا که می‌توانند تأثیری خاص بر رفتار سیاسی آن‌ها داشته باشند در چارچوب رمزگان عملیاتی^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و رابطه میان باورهای علی تصمیم‌گیرندگان که در نظریه نقشه ادراکی بررسی می‌شود، تلاش‌هایی هستند برای نشان دادن تأثیر باورها در تصمیمات. بنابراین؛ باورهای تصمیم‌گیرندگان، می‌تواند زمینه اصلی آنچه باشد که رابرت جرویس سوء برداشت^۳ می‌خواند (Moshirzadeh, 2017, P. 22) باشد. هدف از کاربرد رمزگان عملیاتی در حوزه سیاست خارجی، «آشکار ساختن الگوهای موجود در تفکر رهبران است که تأثیری خاص بر رفتار سیاسی آنها دارد» (Moshirzadeh, 2018, P. 168).

۳-۲. متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت

در سیاست خارجی آمریکا دو قوه مجریه (رئیس‌جمهور) و مقننه (کنگره)، دو عامل مهم در تعیین تصمیم‌ها هستند و هر کدام می‌توانند در صورت مخالفت بودن با روند جاری، از ابزارهایی که در اختیار دارد برای تغییر سیاست‌ها استفاده کند. در بحث متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت به این دو مؤلفه تأکید می‌شود. الف: قوه مجریه (رئیس‌جمهور) ب: کنگره

الف: قوه مجریه: قوه مجریه مهم‌ترین عامل شکل‌دهی به سیاست خارجی آمریکا می‌باشد و بیشتر توسط ریاست‌جمهوری کنترل می‌شود تا قوه مقننه یا قضائیه (smith, 2000, P. 87). رئیس‌جمهور می‌تواند از طریق واکنش نسبت به وقایع خارجی، پیشنهاد طرح، مذاکره معاهدات بین‌المللی، اجرای سیاست‌ها و اعمال مستقلانه، سیاست خارجی کشور را شکل دهد (Mousavi et al., 2011, P. 16) و اختیارات زیادی در اجرای سیاست خارجی و تنظیم دستور کار از طریق توجه دادن رسانه‌ها و کنگره به موضوعات سیاست خارجی برخوردار است. بر اساس قانون اساسی آمریکا، مسئول تنظیم و اجرای سیاست خارجی است چرا که فقط رئیس‌جمهور و معاون او از طرف کل مردم آمریکا انتخاب و در قبال کل کشور مسئولیت دارند (Masoudi, 2020, P. 96) و تنها افسران دولت هستند که توسط کل ملت انتخاب و در

1- Image theory

2- Operational code

3- Misperception

برابر آن مسئول و دارای اختیارات ملی هستند. رئیس‌جمهور می‌تواند یک سیاست خارجی واحد را با در نظر گرفتن اینکه چگونه هر یک از جنبه‌های آن در یک استراتژی کلی قرار می‌گیرد، تدوین کند. او و مشاورانش می‌توانند استراتژی خود را به صورت محرمانه نه تنها در بین خود بلکه بین ایالات متحده و قدرت‌های خارجی تدوین کنند (Tower, 1981, P. 232). اگرچه بر اساس ماده ۱ بند ۸ قانون اساسی آمریکا، اعلام جنگ در اختیار کنگره است، اما بر اساس ماده ۲ بند ۲ مسئولیت فرماندهی کل قوا با رئیس‌جمهور است و اختیارات گسترده‌ای در به کارگیری نیروهای نظامی دارد. با توجه به اختیارات گسترده رئیس‌جمهور آمریکا در حوزه سیاست خارجی، تغییر آن می‌تواند تأثیرات مهمی بر حوزه سیاست خارجی به جای بگذارد. آگاهی از رویکردهای سیاست خارجی رهبران جدید معمولاً نیازمند ارزیابی دقیق باورهای اصلی آنهاست چراکه آشکارسازی باورهای مرکزی نخبگان سیاسی، امکان پیش‌بینی مواضع رهبران در موقعیت‌های احتمالی آینده را پدید می‌آورد (Masoudi, 2020, P. 96).

ب: کنگره: اینکه آیا و تا چه حد کنگره بر سیاست خارجی ایالات متحده تأثیر می‌گذارد، موضوع بحث‌های قابل توجهی بوده است. تا همین اواخر، خرد متعارف در مورد ایجاد سیاست خارجی ایالات متحده، کنگره را در یک موقعیت ثانویه زیر مجموعه به اصطلاح «برتر بودن رئیس‌جمهور» قرار می‌داد. همان‌طور که یکی از ناظران اشاره کرده است، «به دلیل تفاسیر قانون اساسی از اختیارات رئیس‌جمهور در سیاست خارجی و توانایی منحصر به فرد رئیس‌جمهور برای عمل، معمولاً تصور می‌شود که رهبری در سیاست خارجی مسئولیت خاص رئیس‌جمهور است» (Rockman 1994, P. 59). اما طبق بند ۸ اصل یک قانون اساسی آمریکا، تنظیم روابط تجاری با کشورهای خارجی، اعلان جنگ، فراخوان و تأمین مالی ارتش از جمله اختیاراتی است که به کنگره تفویض شده است. کنگره همچنین می‌تواند از طریق تصویب قوانین و بیانیه‌ها، رهنمودهای قانونی، فشار قانونی، اعمال محدودیت‌های قانونی، ارائه مشاوره‌های غیررسمی و نظارت، بر روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأثیرگذار باشد (Mousavi et al., 2020, P. 18). در واقع «احیای مجدد کنشگری کنگره به این معنی است که درک کامل سیاست خارجی در ایالات متحده بدون توجه به کنگره غیرممکن است» (Ripley; Lindsay, 1993, P. 6). کنگره از طریق چندین روش بر سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد: واکنش‌های پیش‌بینی شده، تغییرات در فرایند تصمیم‌گیری در قوه مجریه، و جایگاه سیاسی. در واقع، همان عواملی که تلاش‌های کنگره برای رهبری در امور خارجی را ناکام می‌کند، قانون‌گذاران را تشویق می‌کند تا از ابزارهای غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها استفاده کنند. توجه به این ابزارهای غیرمستقیم، (Lindsay, 1993, P. 609) نشان می‌دهد که کنگره تأثیر زیادی بر محتوای سیاست خارجی ایالات متحده دارد.



۴. سیاست خارجی ایالات متحده و اهمیت اوکراین

رفتارهای دو دهه اخیر آمریکا بیانگر آن است که روسیه را در حد یک قدرت بزرگ جهانی نمی‌داند و اجازه مداخله در خارج نزدیک آن را برای خود قائل است تا گزینه‌ای برای مهار روسیه داشته باشد. بهترین گزینه، رسیدن به مرزهای این کشور است و مهم‌ترین کشوری در این مسیر اوکراین است. ایالات متحده در نیل به اهداف خود که مهم‌ترین آنها مهار روسیه است در قالب ناتو و با شعارهایی همچون گسترش دموکراسی، صلح و امنیت برای کشورهای اروپای مرکزی، شرقی و حوزه بالکان، سعی در گسترش ناتو به شرق و رساندن حوزه نفوذ آن به مرزهای روسیه و کم کردن عمق استراتژیک این کشور می‌باشد (Azami et al., 2018, P. 23). لذا استراتژی تحت فشار قرار دادن روسیه در نزدیک‌ترین سرزمین‌های خودی‌اش را به‌عنوان راهی جهت محدود کردن توان نظامی - اقتصادی روسیه در پیش گرفته است (Rostami & Zainli Badi, 2021, P. 136). آمریکا بعد از جنگ سرد به دنبال گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به کشورهای بلوک شرق همچون مجارستان، لهستان، چک و کشورهای بالتیک بوده که البته موفق هم شده. در این میان، آخرین منطقه حائل با روسیه، اوکراین و بلاروس می‌باشند (Azami et al., 2018, P. 41). اوکراین بخشی از اوراسیا و اوراسیا متشکل از بخش اعظم قاره اروپا و آسیاست که حدود ۷۵ درصد از مردم جهان در این منطقه قرار دارند و بیشترین ثروت فیزیکی جهان در این منطقه واقع شده است. حدود ۶ درصد از درآمد جهان و حدود سه چهارم از منابع انرژی شناخته شده جهان به اوراسیا تعلق دارد (Safari; Wastoghi, 2016: 126). اوکراین کشوری با اهمیت ژئوپلیتیک در اروپا، منطقه دریای سیاه و قفقاز است. موقعیت جغرافیایی آن، این کشور را به کشوری حیاتی در شرایط جغرافیایی - اقتصادی تبدیل کرده است؛ و به‌عنوان یک راهرو تجاری بالقوه میان اروپا و آسیا است. اقتصاد آن متنوع‌تر؛ و دارای پتانسیل انرژی، دفاع، تولید ملی، فناوری و کشاورزی است (Safari; Wastoghi, 2016, P. 127). با توجه به همین موقعیت ژئواستراتژیک اوکراین، آمریکا خواهان حضور بیش‌ازپیش در حیات خلوت روسیه است؛ بنابراین اهمیت اوکراین برای آمریکا، اهمیتی ژئوپلیتیک است که با برنامه‌های این کشور برای تثبیت و استمرار هژمونی جهانی خود ارتباط دارد. در همین راستا، آمریکا پیوندهای خود با اوکراین را در جهت محدود کردن فضای ظهور دوباره روسیه در عرصه جهانی تعریف می‌کند. از طرف دیگر، در راستای گسترش ناتو به شرق، کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های اتحاد شوروی به آن پیوستند و طرح عضویت اوکراین نیز مطرح شد که این امر خشم مسکو را برانگیخت. بدین ترتیب اوکراین با عضویت در شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا نیز هر چه بیشتر به غرب نزدیک شد (Amir



55. (Ahmadian, 2005, P. 55). در بحث از اهمیت اوکراین برای ایالات متحده، می‌توان به دیدگاه برژنسکی اشاره کرد که اوکراین یکی از محورهای ژئوپلیتیک در منطقه می‌داند. به بیان وی، اوکراین یک فضای مهم و جدید در «صفحه شطرنج اوراسیایی» است و یک محور ژئوپلیتیک است که حیات آن به‌عنوان یک دولت مستقل، سبب تغییر ماهیت روسیه می‌شود. اما در صورتی که روسیه بتواند بار دیگر بر اوکراین تسلط پیدا کند، به یک امپراتوری قدرتمند تبدیل خواهد شد که بخش مهمی از اروپا و آسیا را در کنترل دارد. (Brzezinski, 1997, p. 25). اما "بدون اوکراین، روسیه دیگر یک امپراتوری اوراسیایی نیست؛ روسیه بدون اوکراین باز هم سعی خواهد کرد تا برای رسیدن به جایگاه امپراتوری تلاش کند؛ اما بیشتر یک امپراتور آسیایی خواهد شد و در تضاد و برخورد های آسیای مرکزی درگیر خواهد شد" (Berzhensky, 2006, P. 49). ایالات متحده نیز در طول دوره‌های مختلف سعی کرده است اوکراین را به وارد شدن در ساختار کشورهای غربی متقاعد کند و ابزار اصلیش برای افزایش نفوذ در اوکراین، حمایت از ایده‌های ترویج دموکراسی است. در این صورت اوکراین به احتمال زیاد در انتخاب جهت‌گیری جغرافیای سیاسی متمایل به غرب خواهد بود (Safari & Wastoghi, 2016, P. 127). اگر ایالات متحده می‌خواهد همچنان در شرق اروپا توان چانه‌زنی داشته باشد، اوکراین بسیار مهم است.



۵. سیاست خارجی و راهبرد جو بایدن در قبال جنگ

۵.۱ متغیر مستقل (نظام بین‌الملل)

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه خود را بازنده تحولات پس از جنگ سرد دید که جایگاه ابرقدرتی آن از بین رفته و از تصمیم‌گیری‌های جهانی کنار گذاشته شده است. از این‌رو، روسیه در دوران پوتین بار دیگر بر روی به‌دست آوردن نفوذ جهانی و منطقه‌ای خود تمرکز کرده است. مسکو این حق را برای خود محفوظ می‌داند که در مناطق پیشین شوروی، حوزه نفوذ داشته باشد، (Samii Esfahani & Farahmand, 2022, P. 118). اما به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، روابط مسکو و واشنگتن دچار تنش شده، به گونه‌ای که همدیگر را به مداخله در نقض حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین متهم می‌کنند. اوکراین ورودی زمینی برای جنوب باختری روسیه است و شبه‌جزیره کریمه مشرف بر ساحل روسیه در دریای سیاه و شهر سواستوپل واقع در کریمه پایگاه ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه است که اهمیت ژئوپلیتیکی کریمه را برای روسیه آشکار می‌سازد (Ajili & Ahar, 2014, P. 63). در سوی دیگر غرب می‌باشد که بازیگران اصلی در برابر روسیه است. آمریکا به دنبال محاصره ژئوپلیتیکی روسیه است و یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها اوکراین است (Kermzaday & Khansari Fard, 2014, P. 148). بی‌تردید مهم‌ترین



هدف کاخ سفید در این منطقه ممانعت از سلطه روسیه بر کشورهای خارج نزدیک است. اوکراین دارای یک منطقه استراتژیک است و بر جنبه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت روسیه تأثیر می‌گذارد. بخش مالی سرزمین اوکراین یک پل ارتباطی برای توزیع گاز از روسیه به اروپا است. به‌خصوص در منطقه کریمه، این منطقه یک مکان استراتژیک برای نیروی دریایی روسیه است. اوکراین برای روسیه به‌عنوان یک قلعه طبیعی و منطقه انحرافی برای خطوط لوله گازی که از اتحادیه اروپا عبور می‌کنند مناسب است (Alunaza, 2022, P. 42). اما تمایل قاطع اوکراین برای پیوستن به ناتو، روسیه را بر آن داشت تا با تهاجمی تر از گذشته به اوکراین حمله کند، زیرا ادغام اوکراین در ناتو توازن قدرت نظامی بین روسیه و اوکراین را به دلیل نصب سیستم‌های نظامی ناتو، تأمین تجهیزات، آموزش و تمرین‌های مشترک تغییر می‌دهد. این کشور عمق استراتژیک روسیه است و به‌عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند. از طرفی اوکراین محل ترانزیت بیش از ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه است و بدون حضور اوکراین و شاهراه عبوری انرژی روسیه به غرب، تلاش‌های روسیه فاقد نفوذ و تأثیر ژئوپلیتیک خواهد بود (De Maio, 2016: 6)، و آن را چالشی جدی برای امنیت خود و شکست جدی در به‌هم‌خوردن موازنه قوا می‌داند. بنابراین روسیه برای قدرتمند شدن نیازمند تسلط به اوکراین است و از سوی دیگر آمریکا برای ممانعت از قدرتمند شدن روسیه و ادامه برتری خود در منطقه و جهان نیازمند نفوذ در برابر مسکو در اوکراین است (Valizadeh et al., 2015, P. 157) باید توجه داشت که مولفه انرژی در رویکرد منطقه‌ای روسیه در قبال اروپا در کنار اهداف اقتصادی دارای وجوه امنیتی و راهبردی بوده است. (Karimipour, Niakooee and Simbar 2017:193-192) بنابراین، هدف آمریکا اشاعه نظم موردنظرش در سطح جهان است. در این میان جنگی که بین روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد اولین بار است که بعد از جنگ جهانی دوم بین دو دولت اروپایی صورت گرفت که نه تنها در موازنه نظامی بین‌المللی بلکه در روابط آمریکا و روسیه تأثیرگذار شد. میرشایمر استاد علوم سیاسی استدلال می‌کند که «ایالات متحده با فشار برای گسترش ناتو به سمت شرق و برقراری روابط دوستانه با اوکراین، احتمال جنگ بین قدرت‌های مسلح هسته‌ای را افزایش داده و زمینه را برای موضع تهاجمی پوتین در قبال اوکراین فراهم کرده است» (Mearsheimer, 2022). چراکه از نظر مسکو اهدافی که آمریکا با استقرار سامانه دفاع موشکی در کشورهای شرق اروپا تعقیب می‌کند حکایت از عزم آمریکا برای کنترل روسیه و موشک‌های این کشور است.

۲.۵ متغیر میانجی رئالیسم نئوکلاسیک و راهبرد جو بایدن در قبال جنگ

الف: متغیر ادراک فردی (جو بایدن به عنوان تصمیم گیرنده)

باتوجه به اختیارات گسترده رئیس جمهور آمریکا در حوزه سیاست خارجی، تغییر آن می تواند تأثیرات مهمی بر حوزه سیاست خارجی به جای بگذارد. آگاهی از رویکردهای سیاست خارجی رهبران جدید معمولاً نیازمند ارزیابی دقیق باورهای اصلی آنهاست چرا که آشکارسازی باورهای مرکزی نخبگان سیاسی، امکان پیش بینی مواضع رهبران در موقعیت های احتمالی آینده را پدید می آورد؛ بنابراین انتخاب جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس جمهور می تواند تغییرات مهمی در حوزه ادراکی و عملیاتی سیاست خارجی آمریکا ایجاد کند (Masoudi, 2020, P. 96). رهبرانی با مشخصات شخصیتی بایدن احتمالاً سبک رهبری بین فردی را نشان می دهند که با انعطاف پذیری، سازش، و تأکید بر کارگروهی مشخص می شود. بایدن تمایل به تعارض و اجتناب از خطر دارد. از نظر چارچوب تجزیه و تحلیل ویژگی رهبری مارگارت هرمان، بایدن به عنوان رهبرانی طبقه بندی می شود که به محدودیت ها احترام می گذارد و اساساً با تمرکز بر روابط تمایل دارد (Griebi & immelman, 2021, P.3). بایدن را می توان فردی خوش بین در حوزه سیاست خارجی آمریکا دانست. او در سخنرانی اش در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۴ به ورودش به کنگره آمریکا به عنوان جوانی آرمان گرا و همچنین جایگاه فعلی اش به عنوان «فرد خوش بین کاخ سفید»^۱ اشاره می کند. خوش بینی بایدن در امر سیاسی، از جفت های دو گانه گفتمان انتخاباتی او هم آشکار است. او خودش را طرف دار روشنایی در مقابل تاریکی، واقعیت در مقابل تخیل و انصاف در مقابل امتیاز معرفی می کند (Masoudi, 2019, P. 106).

بایدن عرصه سیاست خارجی را عرصه هماهنگی منافع آمریکا با متحدان و تعارض منافع با رقبای می داند. این الگوی ادراکی را می توان از مواضع او نسبت به روسیه و اوکراین مشاهده کرد. ادراک بایدن نسبت به روسیه به گونه ای است که موضع سخت گیرانه در قبال آن داشته است. او هم زمان با اوج گیری تنش ها، خواستار «تحمیل هزینه واقعی» بر روسیه به دلیل اقدامات نامتقارن بر ضد منافع آمریکا و متحدانش در ناتو است (Biden2020c). در همین ارتباط بایدن تصریح کرد «من تصمیم گرفته ام که سیستم های موشکی و مهمات پیشرفته تری را در اختیار اوکراینی ها قرار دهیم. ما به همکاری با متحدان خود، سخت ترین تحریم هایی که تاکنون بر یک اقتصاد بزرگ اعمال شده در قبال روسیه، ادامه خواهیم داد. ما به ارائه



۶۵

تبیین سیاست خارجی
ایالات متحده در قبال
جنگ ۲۰۲۲ اوکراین از
منظر رئالیسم نئوکلاسیک

تسلیحات پیشرفته به اوکراین از جمله موشک‌های ضد هوایی استیونگر، توپخانه قدرتمند و سامانه‌های موشکی دقیق، رادارها، هواپیماهای بدون سرنشین، هلیکوپترهای Mi-17 ادامه خواهیم داد» (Biden, 2022).
2. در واقع بایدن از زبان تیزتری در مقابل روسیه استفاده می‌کند و از ناتو می‌خواهد که برای مقابله با «تجاوز روسیه» به ارتقای توانمندی‌های نظامی کلاسیک و توانمندی مقابله با تهدیدات غیر کلاسیک مانند فساد، اطلاعات نادرست و سرقت سایبری پردازد (Biden 2020c). بایدن در ادامه تصریح می‌کند: «اگر روسیه بهای سنگینی برای اقدامات خود نپردازد، این پیام را به سایر متجاوزان احتمالی خواهد داد که آنها نیز می‌توانند سرزمینی را تصرف کنند و بقای دیگر دموکراسی‌های صلح‌آمیز را در معرض خطر قرار دهند. بگذارید صریح بگوییم: هر گونه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در این درگیری در هر مقیاسی برای ما و سایر نقاط جهان کاملاً غیر قابل قبول خواهد بود و عواقب شدیدی در پی خواهد داشت. آمریکایی‌ها در مسیر مردم اوکراین خواهند ماند؛ این همان کاری است که ما همیشه انجام داده‌ایم Biden, (2022, P.3). بایدن مجدداً خواستار تحمیل هزینه‌های واقعی بر روسیه به‌خاطر نقض هنجارهای بین‌المللی شده است.

ب: متغیر ساختاری و قدرت داخلی

همان گونه که در بخش نظری پژوهش گفته شد، با توجه به نظر واقع‌گرایان نو کلاسیک، سیاست خارجی یک دولت به طور معمول توسط یک گروه کوچک از رهبران ارشد و مقامات رسمی آن کشور تنظیم و تدوین می‌شود که اغلب به‌عنوان مجریان سیاست خارجی شناخته می‌شوند و این یعنی اینکه مسلماً تغییری از تأکید بر نیروی ساختاری به عامل انسانی انجام گرفته است. این نظریه به‌عنوان توضیح‌دهنده سیاست خارجی امریکا، با تمرکز بر نقش گروه‌های ذی‌نفع داخلی یعنی ذهنیت رهبران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور از میزان قدرت نسبی و همچنین متغیر سطح سیستمیک شکل می‌گیرد.

۱. قوه مجریه (دولت جو بایدن)

دولت بایدن در واکنش به الحاق مناطق سابق اوکراین به روسیه، تحریم‌های اقتصادی جدیدی را علیه مقامات روسی اعلام کرد. لیست افراد تحریم شده، شامل الویرا نایولینا، رئیس بانک مرکزی، الکساندر نوآک، معاون نخست‌وزیر روسیه و همچنین اعضای خانواده مقامات ارشد دولتی مانند دیمیتری مدودف، رئیس جمهور سابق، سرگئی شویگو، وزیر دفاع، سرگئی سوبینین، شهردار مسکو و میخائیل میشوستین، نخست‌وزیر روسیه می‌شود. این مجموعه همچنین شامل ۱۰۹ عضو دومای دولتی روسیه و ۱۶۹ عضو



شورای فدراسیون است. وزارت بازرگانی آمریکا همچنین ۵۷ نهاد را به لیست کنترل صادرات خود اضافه کرده است. تمدید تحریم‌هایی که قبلاً به‌عنوان تحریم‌های بی‌سابقه توصیف می‌شد، در حالی صورت می‌گیرد که ولادیمیر پوتین، با الحاق جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک و مناطق خرسون و زاپروژیا به روسیه موافقت کرد (Tasnim news agency, 2022). تحریم‌های دولت بایدن از فوریه ۲۰۲۲ شامل محدود کردن بانک مرکزی روسیه برای برداشت از ذخایر دلاری خود، ممنوعیت بیشتر بانک‌های بزرگ روسیه از انجام معاملات با دلار آمریکا و افزایش کنترل‌های صادراتی که بر دسترسی روسیه به فناوری‌های حساس تأثیر می‌گذارد و همچنین واردات برخی کالاها از روسیه و استفاده روسیه از حریم هوایی و بنادر ایالات متحده را ممنوع کرده است. (Belkin, 2022, P. 2). بایدن از نقض حقوق بشر اوکراین در منطقه کریمه تحت اشغال روسیه حمایت کرد و تأکید کرده است که هر گامی که از مرز روسیه به سمت اوکراین عبور کند تهاجم دیگری است، بنابراین اگر روسیه آن را نقض کند، آمریکا تحریم‌های بیشتری را علیه روسیه اعمال خواهد کرد (Kirby, 2022). جو بایدن، در برخورد با سیاست‌های تهاجمی روسیه در قبال اوکراین، نمایش قدرتمندی از مدیریت شایسته بحران به نمایش گذاشت. اگرچه ممکن است برای جلوگیری از تشدید تنش، تحریم پوتین کافی نباشد، با این وجود، سیاست بایدن برای رهبری ایالات متحده در اروپا را مجدداً تأیید کرده است. دولت بایدن همچنین درخواست‌های دیپلماتیک روسیه را مبنی بر اینکه ناتو به سایر جمهوری‌های شوروی سابق گسترش نخواهد یافت و استقرار نظامی خود را در اروپای مرکزی و شرقی به‌طور گسترده کاهش خواهد داد، را نپذیرفت. از طرف دیگر، بایدن استفاده از نیروهای آمریکایی در دفاع از اوکراین را رد کرده است، اما با این وجود، از حمایت کامل سیاسی و ادامه کمک‌های نظامی خود متعهد شده است (ایالات متحده ۲٫۵ میلیارد دلار به اوکراین ارائه کرده است به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۱۴ دارایی‌های نظامی به ارزش ۶۵۰ میلیون بوده است). در همین حال، ایالات متحده ۳۰۰۰ سرباز را از آلمان به لهستان و رومانی منتقل کرده و ۸۵۰۰ سرباز دیگر را برای استقرار احتمالی در اروپای مرکزی و شرقی در حالت آماده‌باش شدید قرار داده است (Alcaro, 2022, P. 4-5). به احتمال زیاد، این استقرارها ماهیت چرخشی خود را از دست می‌دهند و کاملاً دائمی می‌شوند.

۲. کنگره

ایالات متحده و اوکراین از ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط عمیق داشته‌اند. در سال ۱۹۹۴، برژینسکی مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده اظهار داشت که یک اوکراین قوی وزنه تعادلی اساسی





برای روسیه خواهد بود. اصولاً این تعادل می‌تواند از ظهور روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی جلوگیری کند (Welt, 2021). در واکنش به تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در هفتاد و سومین مجمع عمومی ایالت کلرادو، مجلس نمایندگان در قطعنامه‌ای در پاسخ به این تهاجم اعلام نمودند ما اعضای مجمع عمومی کلرادو: (۱) با افتخار در کنار اوکراین در طول این جنگ غیرضروری ایستاده و عهد می‌بندیم که از اوکراین حمایت و روسیه را مسئول تصمیم فاجعه‌بارش برای حمله بدانیم. (۲) حمله خشونت‌آمیز پوتین اوکراین را به شدت محکوم کرده و تحریم‌های اقتصادی و کنترل‌های صادراتی سخت‌گیرانه‌ای را که دولت پرزیدنت بایدن بر روسیه اعمال کرده است، قویاً تأیید کنیم و (۳) از روسیه می‌خواهیم که فوراً حمله غیرقانونی خود به اوکراین را متوقف کند، و به دیپلماسی بین‌المللی مبتنی بر قوانین که صلح را تضمین کرده است، بازگردد (Jared Polis, 2022). در سال مالی ۲۰۲۲، کنگره در مجموع ۶۶ میلیارد دلار بودجه تکمیلی اضطراری مربوط به اوکراین را اختصاص داده است. از این مبلغ، کنگره حدود ۵۳ میلیارد دلار را برای کمک‌های نظامی، اقتصادی و بشردوستانه به اوکراین اختصاص داد. علاوه بر این، موضوعات مرتبگی که کنگره ممکن است به دنبال رسیدگی به آنها باشد می‌تواند شامل موارد زیر باشد: گسترش نظارت ایالات متحده بر کمک به اوکراین، از جمله اهدا انواع تجهیزات نظامی، و در نظر گرفتن نقش ایالات متحده در کمک به هزینه بازسازی اوکراین پس از جنگ؛ ارزیابی تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه و توانایی‌های جنگی این کشور و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر اقتصاد جهانی؛ شناسایی شرایطی که تحت آن تحریم‌ها می‌تواند تشدید، حفظ یا کاهش یابند، و همچنین شرایطی که می‌تواند منجر به یک‌روند صلح احتمالی شود (Belkin, 2022, P.2) ایالات متحده از تمامیت ارضی اوکراین در مرزهای شناخته شده بین‌المللی آن حمایت می‌کند. از زمان استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ و به‌ویژه پس از تهاجم روسیه در ۲۰۱۴، این کشور دریافت‌کننده قابل توجهی از کمک‌های خارجی ایالات متحده در اروپا و اوراسیا بوده است. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) به طور متوسط سالانه حدود ۴۱۸ میلیون دلار به اوکراین کمک می‌کند (Alunaza, 2022, P. 38-46) پس از جدایی از روسیه، اوکراین به حفظ روابط نزدیک با ایالات متحده و ناتو شناخته شده است.

۳.۵ متغیر وابسته (سیاست خارجی جو بایدن در قبال جنگ)

در چارچوب رئالیسم نوکلاسیک، برونداد سیاست خارجی ایالات متحده به‌عنوان متغیر وابسته، متأثر از متغیرهای میانجی و حاصل برداشت، باور و تحلیل نخبگان و رهبران سیاسی از متغیرهای کلان نظام

بین الملل است و نقش بازیگران سطح خرد، مانند گروه‌های ذی‌نفع داخلی در شکل‌دهی به متغیرهای سطح میانی نمود می‌یابد. این نظریه به‌عنوان توضیح‌دهنده سیاست خارجی آمریکا، با تمرکز بر نقش گروه‌های ذی‌نفع داخلی به‌عنوان متغیرهای سطح خرد، به متغیرهای میانجی، یعنی ذهنیت رهبران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور از میزان قدرت نسبی و همچنین متغیر سطح سیستمیک شکل می‌دهد (Tabee Afshar, 2017, P. 51). با نزدیک شدن نظامیان روسیه به مرزهای اوکراین، برای مهار تهدید روسیه، رئیس‌جمهور آمریکا در اوایل دسامبر ۲۰۲۱ با همتای روس خود صحبت کرد و وزرای خارجه دو کشور دوباره در ۲ دسامبر ۲۰۲۱ و ۱۰ ژانویه ۲۰۲۲ دیدار کردند. آمریکایی‌ها به روس‌ها اطلاع داده‌اند که حمله به اوکراین با تحریم‌های مستقیم اقتصادی علیه روسیه مواجه خواهد شد. علاوه بر آن، ایالات متحده به اوکراین سلاح‌های دفاعی ویژه ارائه کرد و استقرار چند هزار سرباز ناتو در نزدیکی مرزهای اوکراین از اقدامات دیگر ایالات متحده و متحدانش بود (Oleksiy, 2022, P. 12-14). دولت ایالات متحده در توافق با دولت بریتانیا اعلام نمود که دارایی‌های (اعم از مالی و غیره) برخی از برجسته‌ترین رهبران روسیه و افراد وابسته به حلقه داخلی پوتین را تحریم کند. دولت بایدن از مقامات آلمانی تعهد گرفته است که فعال‌سازی نورد استریم ۲، خط لوله گازی بحث‌برانگیز روسیه و آلمان در زیر دریای بالتیک را برای مدت نامعلومی متوقف کند. هدف دولت بایدن افزایش هزینه‌های روسیه برای هرگونه مداخله علیه اوکراین است (Alcaro, 2022, P. 6). ایالات متحده در پاسخ به تهاجم روسیه تدابیر اقتصادی سخت‌تری را اعمال کرد که به‌عنوان هشدار به مسکو از طریق گفتگوهای بایدن و پوتین اعلام شد. همچنین ایالات متحده ده‌ها هزار نیرو را در بخش‌هایی از اروپای غربی مستقر کرده است تا در مقابل حمله روسیه به اوکراین ایستادگی کنند. پیش‌ازین، دولت جو بایدن ۲۰۰ میلیون دلار کمک اضافی به‌عنوان کمک امنیتی دفاعی به اوکراین تصویب کرده. در پیامی سیاسی، جو بایدن، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید در ۲۲ فوریه ۲۰۲۲، تحریم‌های جدیدی را علیه روسیه به‌دلیل تلاش‌های این کشور برای برداشتن اولین گام از حمله به اوکراین اعمال کرد (Alunaza, 2022, P. 46). این تحریم‌ها شامل قطع دسترسی به خدمات سوئیفت، تحریم صادرات انرژی روسیه توسط کشورهای غربی است.

نتیجه

هدف مقاله حاضر تبیین سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری جو بایدن در قبال تهاجم نظامی روسیه به اوکراین است و با بهره‌گیری از آموزه‌های رئالیسم نئوکلاسیک سعی در تجزیه و تحلیل



سیاست خارجی بایدن دارد در پی یافتن پاسخ این سؤال است سیاست خارجی آمریکا در قبال حمله روسیه به اوکراین متأثر از چه عواملی بوده و چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟ به نظر می‌رسد همچنان که آموزه‌های رئالیسم نئوکلاسیک در رفتار سیاست خارجی آمریکا در قبال این جنگ مشهود می‌باشد، رفتاری هم که آمریکا در قبال جنگ اوکراین اتخاذ کرده است آمیزه‌ای از تعامل عوامل بیرونی (نظام بین‌الملل) و عوامل داخلی (ساختار و قدرت داخلی و نوع ادراک نخبگان تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی آمریکا) بوده است. براین اساس مزیت این رویکرد در این است که الگوهای رفتاری جو بایدن و دولت او را محدود به تحولات نظام بین‌الملل ندانسته و از طریق توجه به متغیرهای داخلی از جمله کاخ سفید و کنگره، چارچوب قابل‌قبولی را برای درک تحول در سیاست خارجی آمریکا فراهم می‌کند. در دوره مورد بررسی سیاست خارجی آمریکا، عامل نظام بین‌الملل در همراهی کامل با اهداف دولت بایدن در قبال جنگ اوکراین است از همراهی تا اتحاد با اتحادیه اروپا و ناتو برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه مسکو و در تقابل با آن اهدا کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین برای مقاومت در برابر حملات روسیه در جبهه جنگ، می‌توان اذعان نمود که ساختار نظام بین‌الملل متحد سیاست‌های بایدن می‌باشد. به گونه‌ای که آمریکا بعد از جنگ سرد و در چارچوب سیاست خارجی رئالیسم نئوکلاسیک خود تلاش مستمری برای تحکیم جایگاه خود به‌عنوان یک هژمون جهانی و محدود کردن روسیه در عرصه جهانی، توجه ویژه‌ای به اوکراین داشته است. در بررسی اصول حاکم بر رفتار سیاست خارجی ایالات متحده در بحران اوکراین درمی‌یابیم که رابطه معناداری میان اصول رئالیسم نئوکلاسیک و دکترین‌های ایالات متحده در قبال این جنگ وجود دارد. بدین منظور، استراتژی کلان ایالات متحده این است که باید از ظهور قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه روسیه در شرق اروپا خودداری شود. اما با آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین باعث مداخله ایالات متحده و کشورهای اروپایی در این منازعه شد. به دنبال درخواست زلنسکی برای پیوستن به ناتو، آمریکا در راستای راهبرد سیاست خارجی خود مبنی بر بلاتاثیر نمودن سیاست‌های روسیه حمایت‌های مالی و نظامی فراوانی از اوکراین انجام داد. بخش بعدی مقاله نشان داد که تأثیر متغیر ساختار و قدرت داخلی (قوه مجریه و کنگره) در سیاست خارجی بایدن تداوم داشته است به گونه‌ای که بایدن با برخورداری از حمایت دو قوه سیاست خارجی منسجمی در قبال این جنگ اتخاذ نمود و تحریم‌های گسترده مالی و بانکی و دیپلماتیک در قالب ائتلاف جهانی علیه روسیه اعمال شد. آنچه که مشخص است این است که تلاش اوکراین و غرب برای پیوستن این کشور به ناتو باعث شد پوتین حمله نظامی روسیه به اوکراین را به‌عنوان دفاع از عمق استراتژیک روسیه و دفاع از امنیت و دفع تهدید غرب بداند.

References

Afshar, Sanaz; Barzegar, Kayhan (2017) Neoclassical realism and American foreign policy; A theoretical analysis on understanding the foreign policy of the United States, *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, pp. 42-71 (In Persian).

Alcaro, R. (2022). The Return of US Leadership in Europe: Biden and the Russia Crisis. *IAI Commentaries*, (22).

Amir Ahmadian, Bahram (2005), Ukrainian developments or the Orange Revolution, *Central Asia and Caucasus Studies*, No. 49, pp. 49-70 (In Persian).

Al Jazeera Research Center, (2022), translated by Hamidreza Akbari, February 22, available at: <https://studies.aljazeera.net/ar/article/5270> (In Persian).

Asadi, Ali-Akbar, (2009), Realism and competing approaches to foreign policy, *Strategy Magazine*, No. 56 (In Persian).

Azami, Hadi, Nazari, Mohammad; Hosseini; Seyed Ali (2017) Geopolitical competition between Russia and America in Ukraine (2004-2017), *Iranian Journal of International Politics*, year 6, number 2, pp. 21-52 (In Persian).

Belkin, P. (2022). Russia's War on Ukraine: U.S. Policy and the Role of Congress. <https://crsreports.congress.gov> | IF12277 · VERSION 3 · NEW.

Biden, J. (2022). President Biden: What America Will and Will Not Do in Ukraine. <https://www.nytimes.com/2022/05/31/opinion/biden-ukraine-strategy.htm>

Biden, J. (2020c). Why America Must Lead Again. In *Foreign Affairs Magazine*, 2020.

[Joe Biden: Why America Must Lead Again \(foreignaffairs.com\)](https://www.foreignaffairs.com)

Brzezinski, Gignot (2006) *After the fall, the final game in the unipolar world*, translated by Amirhossein Tavakoli, Tehran: Sabzan Publications (In Persian).

Brzezinski, Z. (2016). *The grand chessboard: American primacy and its geostrategic imperatives*. Basic books.

Dersan, D, 2012, "Response to the international challenge: A neoclassical realist analysis of Syrian foreign policy, 1990-2005", PH.D Thesis, Department of international relation, Middle East Technical University.

Donnelly, J. (2000). *Realism and International Relations*. Cambridge. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511612510>

Esfahani, Alireza; Farahmand, Sarah (2022), Russia-Ukraine war and the future of international order, *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, year 28, number 118, pp. 88-113 (In Persian).

Immelman, A., & Griebie, A. M. (2020). The personality profile and leadership style of US president Donald J. Trump in office.

Jervis, R. (1976). *Perception and Misperception in International Politics*, Princeton: Princeton University Press.

Keremzadi, Muslim; Khansari Fard, Fahima (2014), investigation of Ukraine-Russia relations: finding the roots of the 2014 crisis, *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, No. 86 (In Persian).

Kirby, P. (2022). Why is Russia invading Ukraine and what does Putin want?. *BBC News*. Retrieved, 9.

Karimipour, Davood, Niakooee, Seyed Amir and Reza Simbar (2017), The role of energy diplomacy to foreign policy: A comparative study of Russia and Qatar. Political



- Strategic Studies. Vol6. Issue 22. Pp177-205(In Persian).
- KITCHEN, N. (2010). Systemic pressures and domestic ideas: A neoclassical realist model of grand strategy formation. *Review of International Studies*, 36(1), 117-143. doi:10.1017/S0260210509990532
- Kunz, B. (2007). Power, Vision and Order in World Politics: A Neoclassical Realist View. *In paper to be presented at the NISA-Conference*. Odense. University of Southern Denmark (pp. 1-28).
- Lindsay, J. M., & Ripley, R. B. (1992). Foreign and defense policy in Congress: A research agenda for the 1990s. *Legislative Studies Quarterly*, 417-449.
- Lindsay, J. M. (1992). Congress and foreign policy: Why the Hill matters. *Political Science Quarterly*, 107(4), 607-628. <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>
- Lobell, S. E., Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W., & Taliaferro, J. W. (Eds.). (2009). *Neoclassical realism, the state, and foreign policy*. Cambridge University Press.
- Maio, G. D. (2016). Russia's View of Ukraine after the Crisis. *Instituto Affari Internazionali*. Working Papers.16, (4). <https://www.iai.it/en/pubblicazioni/russias-view-ukraine-after-crisis>
- Masoudi, Heydar Ali, (2020), Joe Biden and operational codes in the field of foreign policy, *Scientific Quarterly of Political and International Approaches*, No. Shapa 739-1735, Volume 12, Number (64 consecutive), Winter (In Persian).
- Mearsheimer, J. J., & Alterman, G. (2001). *The tragedy of great power politics*. WW Norton & Company. <https://is.cuni.cz/studium/predmety/index.php?do=download&did=216573&kod=JPM755>
- Mearsheimer, J.J. (2014). why, the Ukraine Crisis is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin. *Foreign Affairs*, 93, (5) 77- 89.
- Mearsheimer, J. (2022). On the causes and consequences of the Ukraine war Retrieved from: <https://www.eui.eu/news-hub?id=john-mearsheimers-lectureon-the-causes-and-consequences-of-the-ukraine-war>
- Moshirzadeh, Hamira (2018), *Theoretical foundations of foreign policy explanation and analysis*: Tehran: Samit Publications (In Persian).
- Moshirzadeh, Hamira (2017), Pathology of foreign policy: theoretical foundations, *scientific-research quarterly of public policy*, volume 3, number 1, pp. 27-9 (In Persian).
- Mousavi, Seyyed Mohammad Ali, Kodkhodaei, Elham, Shafiei Sarostani, Fatemeh (2019), Modeling the decision-making process in the foreign policy of the United States, *Foreign Relations Quarterly*, 3rd year, 2nd issue, pp. 7-38 (In Persian).
- Nuts, conductor; Ahar, Leila (2014), The role of the economic interests of Russia and the European Union in the Ukraine crisis (2014), *Political-Economic Monthly*, No. 298 (In Persian).
- Nygren, B. (2012). Using the neo-classical realism paradigm to predict Russian foreign policy behaviour as a complement to using resources. *International Politics*, 49(4), 517-529.
- Oleksiy, Paul (2022). Russin-Ukraine 2022 War surge, Questions And Answers To All You Need To Know About The Ongoing War Between Russia And Ukraine.
- Ripley, R. B., & Lindsay, J. M. (Eds.). (1993). *Congress resurgent: foreign and defense policy on Capitol Hill* (Vol. 6). University of Michigan Press.
- Rockman, B. A. (1994). "Presidents, Opinion, and Institutional Leadership." In *The New*



- Politics of American Foreign Policy*, ed. David Deese. New York, NY: St. Martin's Press.
- Rostami, Mohsen; Zinli Badi (2021), examining the strategic importance of Ukraine for Europe and America, *Quarterly Journal of Political Science*, second year, number 4, pp. 128-148 (In Persian).
- Safari, Asgar; trust; Saeed (2016) Geopolitics of Ukraine and its role in the competition between Russia and the United States, *International Political Research Quarterly of Shahreza Azad University*, No. 26, pp. 109-136 (In Persian).
- Samii Esfahani, Alireza; Farahmand, Sarah (2022), explaining why and how the war between Russia and Ukraine was formed based on the "balance of threat" theory, *International Relations Research Quarterly*, Volume 12, Number 3, Serial Number 46, pp. 101-129 (In Persian).
- Schmidt, B. C. (2005). Competing realist conceptions of power. *Millennium*, 33(3), 523-549.
- Smith, t. (2000). Foreign attachments: the power of ethnic groups in the making of American foreign policy, Harvard university press.
- Snyder, Richard, Brooke, H. and Spin, Burton (2009), *Decision Making in Foreign Policy*, translated by Mohammad Jaafar Javadi Arjamand, Tehran: Mizan (In Persian).
- Tasnim news agency (2022), America imposed new sanctions against Russia. Available at <https://www.tasnimnews.com/fa/news/2022/10/09/2782154/> (In Persian).
- Tower, J. G. (1981). Congress Versus the President: The Formulation and Implementation of American Foreign Policy. *Foreign Affairs*, 60(2), 229-246 <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>
- Valizadeh, Akbar; Shirazi Mugoi, Simin; Azizi, Hamidreza (2015), The impact of the 2014 Ukraine crisis on the relations between Russia and the United States, *Central Eurasian Studies*, Volume 8, Number 1, pp. 171-149 (In Persian).
- Welt, C. (2021). Ukraine: Background, Conflict with Russia, and US Policy. Congressional Research Service <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R45008>
- Wieclawski, J. (2011). Contemporary realism and the foreign policy of the Russian Federation. *International Journal of Business and Social Science*, 2(1).



۷۳

تبیین سیاست خارجی
ایالات متحده در قبال
جنگ ۲۰۲۲ اوکراین از
منظر رئالیسم نئوکلاسیک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی